فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ۴۰۱-۳۹۳
New Period 4, No 29, 2020, P 393-401
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

نقدی بر کتاب «روش‌های نوین یاددهی – یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش»

یوسف محمدیان*[۱]. عباس قلتاش[۲]

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

(نویسنده مسئول) mohammadian_yousef@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

gholtash578@yahoo.com

چکیده

در دنیای مدرن امروز شاهد تغییرات گسترده ای در ابعاد مختلف هستیم و فرایند یاددهی-یادگیری نیز تغییرات فزاینده ای نسبت به گذشته داشته است. برای تحول در نظام های آموزشی، دانش افزایی و تغییر دیدگاه‌ها و نگرش های معلمان ضروری و اجتناب ناپذیر است. لذا آثاری که در زمینه ی الگوها و روش‌های تدریس ترجمه و تألیف می شوند بایستی از کارایی و کیفیت لازم برخوردار باشند تا شاهد اثر بخشی آن ها در فرایند آموزش باشیم. نقد علمی و تحمل نقد پذیری به توسعه ی جامعه کمک می‌کند و زمینه‌ی پیشرفت دانش مدنظر و کاهش آسیب‌ها را به دنبال خواهد داشت. در همین راستا، کتاب روش‌های نوین یاددهی – یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش معرفی ودردو بخش ظاهری و محتوایی نقد و بررسی شده است. کتاب در بخش ظاهری از کیفیت و کارآمدی مناسب در قطع، کاربست فونت و حروفنگاری برخوردار است و در بخش محتوایی اهداف فصل، خلاصه فصل و واژه نامه دیده نمی شود و در بخش تنظیم منابع لازم است از سبک های مرایج در حوزه علوم تربیتی استفاده شود و از منابع مرجع در زمینه الگوهای تدریس استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: روش های نوین، یاددهی یادگیری، آموزش، نقد و بررسی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مقدمه

توانایی آموزش، مستلزم دانش و اطلاعات علمی و مهارت‌های عملی به عنوان عواملی است که به یادگیری اثربخش منتهی می‌شود. روش‌های تدریس و آموزش در جهان سابقه ای به بلندای تاریخ بشر دارند. امروزه دیدگاه بشر از تدریس صرف در کلاس درس فراتر رفته و به رویکردها و گرایش‌های جدید که حاصل یافته های علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه شناسی و مدیریتند، در عرصه‌ی تدریس و معلمی توجه دارد. این رویکردها سبب می‌شوند که معلمان با وسعت نظر بیشتری به تدریس و نقش خود بنگرند و با به کار گیری آن‌ها، کیفیت یادگیری و رشد همه جانبه‌ی دانش آموزان را بهبود بخشند. (صفوی، ۱۳۸۵)

نقد کتاب علمی، مقاله ای رسمی است که آثار را به عنوان یک منبع ویژه شرح، تجزیه و تحلیل و ارزیابی می‌کند و نیز شواهد و اسناد جزئی تری را برای پشتیبانی این تجزیه و تحلیل ارائه می‌کند. به علاوه نقد کتاب، اغلب کتاب را با دیگر آثار مشابه مقایسه می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۹۲)

کتاب‌های متعددی دربارهٔ الگوهای نوین یاددهی - یادگیری تألیف یا ترجمه شده است که کتاب روش‌های نوین یاددهی – یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش نوشته فریدون اکبری شلدره ای، دکتر حسین قاسم پور مقدم و خانم فاطمه صغری علیزاده یکی از آن‌هاست. این نوشتار قصد دارد بررسی نقدگونه ای بر ساختار و محتوای این کتاب داشته باشد تا شاید کمکی باشد برای بهتر شدن چاپ‌های بعدی آن.

معرفی و توصیف اثر

کتاب «روش‌های نوین یاددهی – یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش» کتابی مشتمل بر ۲۷۸ صفحه است که توسط آقایان فریدون اکبری شلدره ای و دکتر حسین قاسم پور مقدم و خانم فاطمه صغری علیزاده در سال ۱۳۸۹ توسط انتشارات فرتاب برای دومین بار چاپ شده است. به استناد صفحه ی ۴ اثر، کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. کتاب با پیشگفتار مؤلفان آغاز و در سه فصل تنظیم و در پایان فصول با فهرست منابع و مأخذ و اعلام نام‌ها به پایان رسیده است. مؤلفان کتاب معتقدند که مجریان برنامه‌های درسی یعنی معلمان اگر از فرایند علمی و منطقی آموزش مطلع نباشند و برای تحقق اهداف از شیوه‌هایی نامناسب بهره بگیرند، چه بسا که تلاش‌ها و زحمات افراد مؤثر در آموزش بی ثمر بماند و هدف اصلی خود را ترسیم یک سیر منطقی از نظریه تا عمل در ذهن توسط دانشجویان و معلمان و افراد صاحب نظر دراین حوزه عنوان نموده اند و ابراز امیدواری کرده اند تا از این رهگذر بتوان تثبیت و تعمیق آن را در منش و رفتار مخاطبین کتاب پیدا کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فصل اول: « نظریه‌های یاددهی -یادگیری و کاربرد آن‌ها »

در این فصل، نویسندگان پس از بیان مقدمه به تعریف مفاهیمی چون دیدگاه های یادگیری، یادگیری و نکات مشترک نظریه‌های یادگیری پرداخته و آن‌ها را براساس دیدگاه مورخان فلسفه در دو گروه خرد گرایی و تجربه گرایی دسته بندی کرده اند. نظریه‌های یادگیری معرفی شده شامل نظریه ی ثورندایک همراه با اصول یادگیری، نظریه اسکینر و پیوندهای ایجادشده میان محرک و رفتار و پی آمدهای ناشی از آن، نظریه ی پاولف همراه با تداعی معانی یا هم خوانی اندیشه ها و عینیت بخشی و ملموس کردن موضوع و نظریه ی گشتالت و تحقیقات انجام شده توسط ورتایمر[1]روی پدیده ی حرکت به انضمام کاربرد این نظریات در آموزش می باشد. نظریه ی میدان - شناختی[2] نسبی گرایی یادگیری، نظریه ی یادگیری اکتشافی و تفکر شهودی برونر، نظریه ی یادگیری معنادار دیوید آزوبل و ساخت شناختی فرد به عنوان اساس یادگیری، نظریه ی خبر پردازی گیلفورد[3]و چگونگی تحلیل فرایندهای ذهنی در یادگیری، نظریه ی رشد شناختی پیاژه و مراحل رشد عقلانی، نظریه ی دیویی و دیدگاه کارکردی او نسبت به یادگیری، نظریه ی گانیه و رفتار گرایی گزینشی یا التقاطی مد نظر او در این نظریه و مراحل تفکر از نگاه برونر همراه با کاربرد نظریه های ذکر شده در آموزش در ادامه فصل به تفصیل بیان شده اند.

فصل دوم: « الگو های یاددهی -یادگیری »

به سان فصل اول، مؤلفان فصل دوم را با بیان مقدمه ای درباره ی روش‌های تدریس فعال وغیر فعال آغاز کرده اند. الگوی عمومی تدریس به نقل از رابرت گلیزر[4]در پنج مرحله مطلب بعدی مورد اشاره در این فصل است که در مرحله ی اول برای معرفی هدف های رفتاری و آموزشی از طبقه بندی بلوم و همکارانش در سه حیطه ی شناختی، عاطفی و مهارتی (روانی – حرکتی) استفاده شده و در ادامه مراحل دوم تا پنجم همراه با جزییات آمده است. الگوی تفکر استقرایی و تفکرات هیلداتابا همراه با مراحل تدریس و کاربرد عملی آن، اصول آموزشی، مراحل تدریس و کاربرد الگوی دریافت مفهوم، الگوی آموزشی گانیه همراه با مدل پردازش اطلاعات در ذهن و اصول و ترتیب و توالی آموزش بر اساس الگو و اصول آموزشی و توالی و ترتیب و اجزای آموزش درالگوی مریل مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه فصل الگوی پیش سازمان دهنده بر اساس نظریه ی معنی دار آزوبل همراه با اصول اساسی الگو و مراحل تدریس و الگوی ساخت گرایی و مراحل اجرای آن و الگوی تدریس اعضای گروه همراه با چارت مراحل اجرا معرفی شده اند. الگوی بارش مغزی به عنوان یکی از راهبردهای پرورش خلاقیت همراه با الگوی تدریس پژوهش آموزی، الگوی بدیعه پردازی و فرایند اجرای آن به صورت کاربردی، الگوی کاوشگری و ایفای نقش در کنار

1. Max Wertheimer
2. cognitive field theory
3. Guilford
4. Robert Glazer

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

الگوی تفکر انتقادی الگوی همیاری توضیح داده شده است. الگوی طرح درس روزانه جهت راهنمایی معلمان در هدفمندی تدریس و فرایند یاددهی – یادگیری براساس چارچوب استاندارد ازدیگرمطالبی است که دراین فصل به آن اشاره شده است.

فصل سوم: « روش‌های یاددهی -یادگیری »

این فصل از کتاب به روش های یاددهی و یادگیری اختصاص یافته که ابتدای آن به مقدمه ی مؤلفان در خصوص ارتقای کیفیت یادگیری و آسان سازی آن پرداخته شده است. سینرگوژی جهت آموزش دروس مختلف در چهار روش کارایی گروه، تدریس اعضای گروه، ارزیابی عملکرد و روشن سازی طرز برخورد (تلقی) همراه با مراحل اجرای آن ها معرفی شده اند. روش اکتشافی، روش گردش علمی، روش بحث گروهی، روش سخنرانی، روش نمایشی (نمایش علمی)، روش یادگیری تا حد تسلط (آموزش انفرادی)، روش آزمایشی (آزمایشگاهی)، روش واحد کار (پروژه)، روش حل مسئه، روش ایفای نقش (نمایش نامه) و روش تدریس مبتنی بر ایفای نقش همراه با گام های عملی و وظایف شرکت کنندگان در اجرای روش‌ها جهت استفاده ی مؤثر و بهینه توسط معلمان ارائه شده است.

نقد و بررسی اثر

پس از معرفی اثر، نقد و بررسی آن در دو بخش ظاهری و محتوایی صورت گرفته است. در بخش ظاهری، کیفیت فنی و طرح روی جلد و رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش و در بخش محتوایی، جامعیت صوری، نظم منطقی و انسجام مطالب، نوآوری و بدیع بودن مطالب و فهرست منابع و مأخذ مورد بررسی قرار گرفته است.

کیفیت فنی و طرح روی جلد

طرح جلد، حروف نگاری، صفحه آرایی، کیفیت چاپ، صحافی، قطع کتاب و نمونه خوانی و اشتباهات تایپی نشانگرهای کیفیت فنی و ظاهری یک کتاب است (حسینی، ۱۳۹۷). طرح روی جلد این کتاب، شبیه به تخته سبز کلاس با خط های زمینه سفید که در قسمت بالای جلد عنوان کتاب، در وسط جلد مثلثی طراحی شده که اصطلاحات یادگیری در سطح و برنامه درسی، یاد دهنده و یادگیرنده در سه رأس آن و در پایین صفحه اسامی مؤلفان دیده می شود. پشت جلد کتاب تخته سبز بدون طرح خاصی و عنوان انگلیسی اثر آورده شده است. کیفیت چاپ، صفحه آرایی، حروف نگاری، کاربست فونت، صحافی و قطع کتاب مناسب و درخور است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش

مؤلفان از اعضای شورای تألیف کتب درسی ادبیات فارسی هستند و کتاب ضمن حروفنگاری از ویرایش خوبی برخوردار بوده و قواعد نگارشی در آن به خوبی رعایت شده است.

جامعیت صوری

این اثر از نظر جامعیت صوری، دارای پیشگفتار، مقدمهٔ فصول (۱تا۳)، فهرست تفصیلی مطالب، جدول و چارت، فهرست منابع ومأخذ واعلام نام ها است، اما از اهداف هر فصل، خلاصه ی فصل‌ها، معرفی منابع برای مطالعه ی بیشتر در پایان هر فصل، تمرین و آزمون (مرور و تأمل)، پیشنهاد پژوهشی و اصطلاحات کلیدی استفاده نشده است.

نظم منطقی و انسجام مطالب

فصل اول کتاب به معرفی نظریه‌های یادگیری و کاربرد آن‌ها درآموزش پرداخته است. در صفحه ۱۶ کتاب ابتدا دیدگاه‌های مهم یادگیری در قالب دو دیدگاه تجربه گرایی و خردگرایی از نگاه مورخان فلسفه مطرح شده و در ادامه در صفحه ی ۱۹ مفهوم یادگیری تعریف شده است. برای تبیین بهتر موضوع رعایت ترتیب آوردن تعریف یادگیری و نظریه های یادگیری منطقی تر به نظر می رسد.

" نظریه‌های یادگیری شرایط حصول و عدم حصول یادگیری یادگیری را تحلیل می‌کنند. تا قبل از قرن هفدهم، سه نظریه عمده به نام های انتظام ذهنی، شکوفایی طبیعی و اندر یافت وجود داشت که هنوز در بسیاری از مدارس جهان مورد توجه است. در قرن هفدهم جان لاک و در قرن هجدهم هربارت و در قرن نوزدهم پاولوف[1] واتسون، ثرندایک و پیروان مکتب گشتالت پایه های جدیدی در روانشناسی به طور اعم و در روانشناسی تربیتی اخص بنیاد نهادند و سرانجام در قرن بیستم، افرادی چون اسکینر، پیاژه، برونر، آزوبل، بلوم و دیگران کوشیدند تا به نوعی یادگیری انسان و حیوان را مورد مطالعه و پژوهش قرار دهند. نظریه های معاصر را که- یادگیری و نظام های آموزشی را تحت تأثیر قرار داده اند- می‌توان به دو مجموعه بزرگ طبقه بندی کرد: نظریه شرطی (رفتارگرایی) و نظریه شناختی" (شعبانی، ۱۳۸۵،:۲۲).

با توجه به تقسیم بندی های ارائه شده از نظریه‌های یادگیری و سیر تاریخی آن در اثر مورد بررسی هیچ اشاره ای به آن‌ها نشده است و لزوم توجه به سیر تاریخی نظریه‌های یادگیری در طول زمان در بازنگری کتاب ضروری است.

در صفحه ی ۱۹ کتاب مؤلفان به نظریه های رفتارگرایی و بینش گرایی و گشتالتی در قالب عقاید فلسفی تجربه گرایی و خردگرایی اقدام کرده اندو از افرادی چون ثورندایک، پاولف، گاتری، هال، اسکینر، دیویی، ورتایمر، کهلر و کافکا، لوین، پیاژه، برونر، ویگوتسکی، چامسکی، آزوبل، گیلفورد، بلوم و گانیه

1. Ivan Petrovich Pavlov

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

نام برده اند. در ادامه فصل ترتیب مشخصی در بیان نظرات وجود ندارد و ارائه عقاید اندیشمندان خرد گرا و تجربه گرا از توالی مشخصی تبعیت نکرده و به نظریات برخی از اندیشمندان چون ویگوتسکی و بلوم اشاره ای نشده است. کاربرد نظریات یادگیری در آموزش توسط مؤلفان مورد توجه قرار گرفته که اقدامی شایسته هست ولی می توان با اندکی تغییر تحت عنوان راهکارهای تدریس همراه با مصداق ها و مثال عینی و کاربردی ذکر شود که سبب ارتقای اثر گردد.

در فصل دوم کتاب الگوهای یاددهی-یادگیری همراه با اصول آموزشی، مراحل اجرا و کاربردهای آن ها مورد توجه قرار گرفته است. در ابتدای فصل به الگوهای تدریس فعال و غیر فعال و الگوی عمومی تدریس اشاره شده است. در صفحه ۹۸ کتاب، الگوی عمومی تدریس به نقل از رابرت گلیزر، در پنج مرحله معرفی شده است که عبارتند از: تعیین هدف های آموزشی و رفتاری، تعیین پیش دانسته ها و ارزش یابی ورودی، تعیین روش‌ها ؛ وسایل آموزشی و کمک آموزشی، سازمان دهی شرایط و فعالیت های آموزشی و تعیین نظام ارزش یابی (مرحله ای و پایانی) و سنجش عملکرد آموزش (تدریس). مرحله ی سوم الگو تحت عنوان تعیین روش‌ها؛ وسایل آموزشی و کمک آموزشی معادل عبارت **(instructional procedure and media)** در نظر گرفته شده است. در حالی که به نقل از شعبانی (۱۳۸۵) معادل فارسی این عبارت می شود: تعیین شیوه ها و وسایل تدریس. مفهوم «وسایل آموزشی[1] مدت زیادی است که توسط تعداد زیادی از معلمان، مربیان و مؤلفان تحت عنوان «وسایل کمک آموزشی[2]» به کار برده می شود. در بسیاری از طرح های آموزشی، بدون کوچکترین توجه به مفهوم صحیح « وسایل آموزشی» فقط از ابزارهایی که معلم می تواند در آموزش شاگردانش از آن ها کمک بگیرد یاد شده و استفاده از آن ها توصیه شده است، در حالی که مفهوم وسیله ی آموزشی بسیار فراتر از یک ابزار کمکی است. ما در مکالمات روزمره ی خود هرگز به تلفن، لفظ « وسیله ی کمک ارتباطی » یا به اتومبیل « وسیله ی کمک نقلیه » اطلاق نمی کنیم، اگر چه این وسایل در برقراری ارتباط و ایاب و ذهاب کمک زیادی به انسان می کنند. بنابر این اطلاق لفظ « کمک » به « وسایل آموزشی » مفهوم درستی نخواهد بود و نیاز است در بازنگری کتاب اصلاح شود.

تجارب یادگیری از ترکیب محتوا، فرایند و جو اجتماعی شکل می‌گیرند. ما همچون یادگیرندگان، با همکاری دانش آموزان و برای آنان به خلق فرصت‌هایی برای کشف و ساخت حوزه های مهم دانش، و ایجاد ابزارهای قدرتمند یادگیری و زیستن در شرایط اجتماعی مطابق با شأن انسان می‌پردازیم. ابزارهای اصلی ما همانا الگوهای تدریس یا در واقع الگوهای یادگیری هستند که به طور همزمان طبیعت محتوا، راهبردهای یادگیری و نظم و ترتیب حاکم بر تعامل های اجتماعی را-که محیط های یادگیری برای دانش آموزان فراهم می کند- مشخص می‌سازند. با گزینش الگوهای مناسب، محتوا به جای صورت جزئی به

1. educational (instructional) media
2. Educational aids

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مفهوم کلی ؛ فرایند به جای پذیرش انفعالی به کاوش سازنده؛ و جو اجتماعی به جای محدود کننده بودن به شکل گسترش یابنده مبدل می‌شود. انتخاب ما به دامنه ی روش‌های گوناگون تدریس و نیز کوشش کوشش برای توسعه ی آن از طریق ایجاد الگوهای جدید ومطالعه ی الگوهایی که دیگران ابداع کرده اند وابسته است. الگوهای تدریس بر اساس محور یادگیری و نوع نگاه نسبت به افراد و چگونگی نوع آموزش آن ها به چهار خانواده تقسیم شده اند. این چهار خانواده عبارتند از: پردازش اطلاعات، اجتماعی، شخصی (فردی) و نظام های رفتاری. جویس، کالهون وهاپکینز (۲۰۰۲، ترجمه ی مهرمحمدی وعابدی۱۳۹۶).

در فصل دوم کتاب مورد نظر هیچ اشاره ای به خانواده الگوهای تدریس نشده و الگوها فارغ از هرگونه ترتیب و توالی منطقی مطرح شده است. این بی‌نظمی خواننده را دچار سردرگمی می‌کند و تعدادی از الگوهای مطرح شده مانند الگوی آموزشی گانیه، الگوی آموزشی مریل و الگوی بارش مغزی در هیچ یک از خانواده های الگوهای تدریس قرار نمی گیرند.

در صفحه ی ۱۶۵ کتاب، مؤلفان فن یا تکنیک بارش مغزی را به عنوان الگوی تدریس مطرح کرده و آن را جزو الگوهای تدریس به حساب آورده اند در حالی که به نقل از صفوی (۱۳۸۵) بارش مغزی به عنوان یک فن یا تکنیک پویایی گروهی مد نظر است. اگر چه این فن برای تحقق هدف های آموزشی مناسب است ولی صرفا در تدریس مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و نام گذاری آن به عنوان الگوی تدریس مفهوم درستی نیست و نخواهد بود.

روش در مقابل واژه ی لاتینی « متد » به کار رفته و به راه انجام دادن هر کاری می‌گویند. روش تدریس عبارت است از: راه منظم، باقاعده و منطقی برای ارائه‌ی درس. روش ها و فنون تدریس به دو دسته ی کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول، روش‌های سنتی که در گذشته‌های دور به کار می رفته اند مانند روش سقراطی و مکتبخانه ای و دسته ی دوم روش‌های مبتنی بر یافته‌های روانشناسی، هنر و علم آموزش که به طور عمده از قرن بیستم به بعد تکوین یافته اند و به روش های جدید شهرت دارند مانند: روش توضیحی، روش سخنرانی، روش اکتشافی، روش حل مسأله، روش بحث درکلاس، روش پرسش و پاسخ، روش فعال، روش پروژه یا واحد کار، روش آزمایشی، روش گردش علمی، روش قیاسی و استقرایی، روش یادگیری فردی، آموزش مهارت های فراشناختی و روش تمرین.

مؤلفان در فصل سوم کتاب با عنوان روش‌های یاددهی و یادگیری به سان فصل دوم به ترتیب و سیر تاریخی روش‌های تدریس توجهی نداشته و الگوهای تدریس ایفای نقش و یادگیری از طریق همیاری مانند کارایی گروه، تدریس اعضای تیم و روشن سازی طرز تلقی را در زمره ی روش های تدریس ذکر کرده اند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

نوآوری و نو بودن

با توجه به تاریخ انتشار اثر در چاپ اول و بررسی کتاب های نوشته شده توسط اندیشمندان داخلی و تکرار مطالب توسط مؤلفان بدون توجه به چهارچوب و اصول علمی الگوها و روش‌های تدریس هیچ گونه خلاقیت و نوآوری در ارائه مطالب دیده نشد و به نوعی تکرار مطالب با نوعی در هم گسیختگی همراه بود که به بازنگری جدی در تنظیم مطالب نیاز است.

از ۲۹ اثر فارسی و ۳ اثر لاتین برای تنظیم محتوای کتاب استفاده شده است. منابع مورد استفاده به استثنای مقالات در زمره ی منابع مرجع رشته ی علوم تربیتی هستند. در نگارش معمول کتاب‌های حوزه علوم انسانی از سبک **APA** جهت ماخذ نویسی استفاده می شود که در این کتاب سبک سنتی مصطلح در ادبیات فارسی موسوم به سبک توربین به کار رفته و منابع شماره ۵، ۹، ۲۰، ۲۱، ۲۶ و ۲۸ فاقد سال انتشار اثر هستند.

جمع بندی

کتاب ارزشمند روش‌های نوین یاددهی – یادگیری و کاربرد آن‌ها در آموزش تألیف فریدون اکبری شلدره ای و دکتر حسین قاسم پور مقدم و فاطمه صغری علیزاده نیازمند پاره ای ویرایش های صوری، ساختاری و محتوایی است. بر اساس یافته های تحقیق، پیشنهاد می‌شود:

مؤلفان کتاب از استادان برجسته کشور هستند و مطابق انتظار کتاب تمام نکات نگارشی ورسم الخط را رعایت نموده و صفحه آرایی و حروف چینی به خوبی انجام شده است. با توجه به نیاز جامعه ی فرهنگیان کشور به منابع ارزشمند در خصوص روش‌های نوین یاددهی – یادگیری انتظار می رود و پیشنهاد می‌گردد کتاب مورد ویراستاری مجدد قرار گرفته و در چاپ جدید جامعیت محتوایی با دقت بیشتری لحاظ گردد. در ابتدای هرفصل تنظیم اهداف و چارچوب های مورد انتظار ضروری به نظر می‌رسد و در پایان هر فصل خلاصه مطالب می‌تواند به انسجام ذهنی خواننده اثر، کمک شایانی بکند که امید است اجرایی شدن آن در دستور کار قرار گیرد. طرح جلد کتاب با توجه به مفهوم همیاری و تاکید الگوهای نوین بر سینرگوژی بایستی مورد بازنگری قرار گیرد و از مفهومی استفاده شود که زبان گویای روش‌های نوین یاددهی – یادگیری باشد. دسته بندی الگوهای یادگیری متناسب با آخرین تغییرات ایجاد شده در الگوهای نوین به دانش افزایی بیشتر معلمان کمک خواهد کرد. در خصوص تنظیم منابع پیشنهاد می‌شود از سبک های معمول در حوزه‌های تخصصی استفاده شود و افزودن واژه نامه تخصصی می‌تواند گویایی مطالب و برقراری ارتباط مؤثرتر با اثر را تسیل نماید. در کنار درج عنوان ارزشمند کاربرد الگوها در فرایند آموزش توصیه می‌شود از مصداق‌های عینی تر متناسب با مقاطع مختلف تحصیلی و برنامه‌های متفاوت درسی استفاده گردد تا معلمان شاغل در همه ی مقاطع تحصیلی بتوانند استفاده بهینه تر و بهتری از اثر داشته باشند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فهرست منابع و مآخذ

ـ اسمعیلی، اصغر و آلبوغیش، عبدالله. (۱۳۹۶). نقد کتاب کتابشناسی توصیفی ادبیات تطبیقی در ایران. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۶، ص ۵۳-۷۲.

ـ اکبری شلدره ای، فریدون، قاسم پور مقدم، حسین و علیزاده، فاطمه صغری. (۱۳۸۹). روش های نوین یاددهی – یادگیری و کاربرد آن ها در آموزش. تهران: فرتاب.

ـ برخورداری، رمضان. (۱۳۹۳). نقد و بررسی کتاب مکاتب فلسفی و آراء تربیتی تألیف: جرالد ال. گوتک. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۲۱-۱۳۵.

ـ جویس، بروس، کالهون، امیلی و هاپکینز، دیوید. (۱۳۹۶). الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس. (ترجمه ی محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی) تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۲).

ـ جویس، بروس، ویل، مارشا و کالهون، امیلی. (۱۳۸۴). الگوهای تدریس ۲۰۰۴. (ترجمه ی محمد رضا بهرنگی). تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۴).

ـ حسینی، سید محمد حسین. (۱۳۹۷). نقدی بر کتاب رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه های درسی در آموزش عالی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۱۶-۱۴۱.

ـ دالوندی، شراره. (۱۳۹۱). بررسی و نقد کتاب اصول برنامه ریزی درسی. پژوهشنامه ی انتقادی متون وبرنامه های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی سال سیزدهم، شماره ی اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۲ – ۱۹.

ـ شعبانی، حسن. (۱۳۸۵). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). جلد اول. تهران: سمت.

ـ شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس). جلد دوم. تهران: سمت.

ـ صفوی، امان الله. (۱۳۸۵). روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس). تهران: سمت.

ـ ماهینی، فاخته. (۱۳۹۰). نقدی بر کتاب « اصول برنامه ریزی درسی ». پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال هشتم، دوره ی دوم، شماره ی ۳۰، پاییز ۱۳۹۰.

ـ همدانی، مصطفی. (۱۳۹۳). نقد کتاب فلسفهٔ روش تحقیق در علوم انسانی. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۲۷-۱۵۱.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]